

* سال اول، شماره اول، فروردین ۱۳۹۷

* شماره مجوز: ۹۶۳۵۳۷

* صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: مهدی طالبی

* طراح صفحه آرا: حسین فکور یکتا

* هیئت تحریریه: مصطفی غلامی، رضا تنهایی مقدم، علی اصغر یوسفی، مهدی طالبی



علی اصغر یوسفی

انقلاب مردم؛ نه انقلاب برای مردم

پذیرانی که باید از بیرون به ایشان کمک نمود می‌گردد.

۳) لکن بنای انقلاب اسلامی آن بود که مردم، سالار این کشور باشند و رای و نظرشان تعیین کننده امورات شان باشد. لذا قرار بود «همه باهم» کشور را بسازند نه اینکه عده ای برای مردم کشور را بسازند که بعدا نگاه قیم مآبانه به ایشان داشته باشند. بچه حزب الهی ها و تشکل های انقلابی هم اگر بناست از مردمی بودن انقلاب پاسداری کنند راهش این است که در کنار مردم و نه برای مردم- مطالبات شان را پیگیری نمایند و بستر حضور مردم برای کار کردن را فراهم کنند و مواظب باشند غرق شعارهای زیبای کار کردن برای مردم - که نتیجه اش حذف مردم می باشد - نشوند. یادمان باشد انقلاب اسلامی انقلاب مردم بود نه انقلاب برای مردم!

غلبه چنین دیدگاهی را در نگاه های روشنفکری و شبه آن می توان یافت.

۲) نگاه دیگر نیز مردمی بودن را به معنای کار کردن برای مردم می داند. لذا حد اکثر انرژی و توان خود را برای «خدمت» کردن به مردم و خصوصا کسانی که دست شان از امکانات کوتاه تر است، مصروف میدارند. نمود این نگاه را در تشکل های منتسب به حزب الهی ها می توان دید. شاید اوج کار در این نوع نگاه اردوهای جهادی در مناطق محروم یا بازسازی مناطق حادثه زده پس از حادثه باشد.

مردمی بودن در نگاه اول به شدت حداقلی تعبیر می شود و اراده مردم را به اعلام نظر از طریق یک رای کاهش می دهد. نگاه دوم نیز شاید در ابتدای امر زیبایی هایی داشته باشد لکن استمرار آن منجر به حذف مردم از چرخه تصمیم گیری و تبدیل شدن آنان به خدمت

یکی از خواست های اصلی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ مردم ایران، اداره کشور بر اساس اراده و نظر مردم بوده که این مهم در مفهوم جمهوریت نظام بر آمده از این انقلاب تجلی یافته است. در طول سال های متمادی پس از انقلاب نیز افراد، تشکل ها و جریان های مختلفی نیز داعیه و شعار جمهوریت و مردمی بودن داشته اند. اما شاید هیچ گاه این سوال به درستی پاسخ داده نشده که مردمی بودن به چه معناست.

برداشت هایی که طی این سال ها از مردمی بودن شده در ... کلی قابل تقسیم بندی است: (۱) عده ای مردمی بودن را محدود به مشارکت مردم در انواع انتخابات و رای گیری و اعمال نظر از این طریق می دانند. از رای گیری برای تعیین رییس جمهور و نماینده مجلس گرفته تا رای گیری برای انتخاب شورای مرکزی فلان تشکل.

شهر؛ تار و پود مردم

که قصد دارند تا مدت های طولانی در این شهر زندگی کنند معضلی به اسم حاشیه نشینی پدید آمده است و اسکان مسافرین طی سی سال گذشته شغل عده زیادی از مشهدی ها به سمت هتلداری و ساخت مسافرخانه های کوچک سوق داده است، طوری که بلندمرتبه سازی در بافت های اطراف حرم مطهر خود به یکی از جدی ترین مشکلات این شهر بدل گشته است. چاره چیست این دو گروه را نمی توان از مشهد بیرون کرد. نمی توان گفت که مشهد گنجایش پذیرش این جمعیت را ندارد و باید از ورود این مردم به این شهر جلوگیری کرد. باید چاره ای اندیشید. باید هم فکری به حال ارائه بهترین خدمات به مسافرین این شهر کرد که کمترین هزینه را دارا باشد و هم تدبیری برای کنترل پذیرش و اسکان مهاجرینی بود که از نقاط مختلف به قصد زندگی بلندمدت در شهر مشهد به این شهر آمده اند. نهادهای دولتی در کنار سرمایه گزاران بخش خصوصی چه داخلی چه خارجی می تواند با همکاری هم به راحتی این مشکلات را از پیش رو بردارند. آستان قدس، استانداری، شهرداری می تواند با ایجاد زیرساخت های لازم و نظارت بر اجرا طرح ها اسکان جلورفت شهر مشهد را به دست بگیرند و از واژگونی آن جلوگیری کنند. لازم است که ابتدا تمام نهادهای موجود به این درک برسند که این شهر، مشهدالرضا است و شهری زیارتی. باید بدانند برنامه های خود را باید بلندمدت و در مقیاس جهان اسلام تنظیم کنند. مشهد الگویی بشود برای سایر شهرهای زیارتی جهان اسلام نه که عبرتی بشود برای دیگر شهرها از جمله نجف و کربلا، شهرهایی که شهرداران آن نگرانند که شهرهایشان به تجربه تلخ مشهد مشکلات متعددی به وجود آورده است. برای اسکان یافتن ساکنین مشهد

اگر دلسوز نباشیم شهرمان را نابود می کنند. اگر دلسوز نباشیم دیگر شهری نیست که رابطه بسازد برای زیست این مردم و اگر رابطه ای نباشد زیست اجتماعی معنا ندارد. بنای دلسوزانه شهر به عهده ما مردم است. اگر اندکی به داشته هایمان علاقه داشته باشیم برای صیانت از به تاراج رفتنشان لازم است دلسوزانه مراقب شهرمان باشیم. اگر بافت غریب اطراف حرم رضوی نور چشم اهالی مشهدالرضا کوچکترین لطمه ای دید، باید بدانیم که پاره نماند دست مایه رفتارهای غارتگرانه قرار گرفته است. نباید اجازه دهیم به ساخت مقدسش توهین شود. اگر کنار باغ های این شهر که روشنی برایمان هدیه می آورند برج و آسمان خراش ساخته شود، باید بدانیم که خورشید دیگر از این مشرق طلوع نمی کند و حال ترافیک و شلوغی است که اینجا جولان می دهد.

دلسوز باشیم و بدانیم بدون شهر ما مردم، ما نیستیم چند هفته پیش گوشه از شهرمان دردی را احساس کرد مشهد از آنجا که حریم قدس الهی است در سال هزاران مسافر از سرتاسر ایران اسلامی و دیگر نقاط جهان دارد. همین مهم، مشهد را با مسائل روبه رو می کند که نیازمند تدبیری سنجیده شده است. اسکان این جمعیت انبوه در شهری که قرار است گستره اش زیاد تغییری نکند. هدایت جریان مالی گوناگون که سرمایه گذاران و مسافرین با خود به مشهد می آورند و مسائلی از این قبیل، باعث شده که اداره این شهر از چیزی که به نظر می رسد سخت تر به نظر برسد.

به عنوان مثال ارائه خدمات اسکان برای تمامی ساکنین این شهر اعم از مسافر و مجاور در این چند ساله در شهر مشهد مشکلات متعددی به وجود آورده است. برای اسکان یافتن ساکنین مشهد

زیبا درد دیگری را، درد خود دانستن. و چه مدینه فاضله ای است شهری که آحاد مردمش نسبت به یکدیگر ارق داشته باشند و حواسشان به حال و روز یکدیگر باشد.

شهر به مثابه یک پایگاه اجتماعی در برگزیده اقشار گوناگون مردم است. نظرها و روش های متفاوت برای چگونه زیستن و حرکت کردن به سمت هدف. شهر حلقه وصل ما مردمی است که با عقاید و دیدگاه های مختلف در کنار هم یک کل واحد را تشکیل داده ایم. شهر چیزی ورای آجر ساختمان ها و آسفالت خیابان هاست. شهر تاروپودی است که ما را به هم متصل می کند. بدون شهر ما مردم، ما نمی شدیم.

اما بدرفتار بودیم. در خلال سختی های روزگار آن قدر حواسمان پی خودمان بود که به کلی از شهر فراموش کردیم. یادمان رفت این بخش از وجودمان. انگار نمی دانستیم سلامت آن، سلامت ماست. آبادی اش روشنی بخش دل هایمان و رونق بازارهایش چشم و چراغمان. در این چند ساله که می گذرد ما با تیشه به جان ریشه شهر افتاده ایم و خیال می کنیم که این درخت زندگی را باید با تبر تکه تکه کنیم و تنه را بسوزانیم غافلیم از ثمره حیات آن. شهر فقط در و دیوار نیست که هر روز بکوبیم و از نو بسازیم مد روز نه. تک تک خشت هایش برای ما قصه دارد. از لا به لای کوچه باغ های سرسبزش آواز عشق می آید و هویت است نوشدارویی که چشمه قدمت فوران می کند.

شهر باید به دست ما مردم ساخت شود. شهری که روابط ما را تعیین می کند باید به دست ما مردم و با خرد و دلسوزی بنا شود. دلسوزی برای مراقبت از چیزی که دلمان در گروی آن است اهمیت دارد و اگر نباشد خدا می داند چه اتفاقی می افتد.

آرشیو روز نشریات داز

شجویی دانشگاه فردوسی مشهد

Sanad

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

اسناد و آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشگاهی

در سایت سند • sanad.um.ac.ir

لیست نشریات فعال

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه ثبت آرشیو نشریه

نحوه درخواست مجوز نشریه

اخبار و اعلان های خانه نشریات

آرشیو کامل نشریات دانشجویی